

## «طلسم» و بازتاب آن در آثار ادبی روسی متأثر از شرق

مرضیه یحیی پور\*

### چکیده

طلسم، موتیف دائمی فرهنگ جهانی است و با نشانه‌هایی از قبیل انگشتر، دستبند، گردنبند و یا اشکالی دیگر شناخته می‌شود که حاوی ورد و دعا و یا نشانی است. موضوع طلسم بخشی از ادبیات را هم پوشش می‌دهد و نویسندگان و شاعران جهان از جمله روسی نیز به آن در آثار خود پرداخته‌اند. الکساندر کوپرین، الکساندر پوشکین، میخائیل لرمانتف و آنا آخماتوا که هر یک به شیوه‌ای با دین و فرهنگ شرقی ارتباط داشته‌اند، طلسم در آثارشان دارای ویژگی‌های شرقی است و به طریقی با فرهنگ شرقی ارتباط دارد. در مقاله پس از مقدمه‌ای کوتاه درباره ریشه‌ها و اشاره به برخی آثار نویسندگان و شاعران روسی با موضوع طلسم، به سه شعر الکساندر پوشکین با نام‌های «در غار مخفی، در روز تعقیب و آزار»، «حافظم باش، طلسم من» و «طلسم» پرداخته می‌شود که شاعر در آن‌ها به این موضوع اشاره کرده است. طلسم در هر یک از این اشعار دارای قدرت خارق‌العاده است. متن اشعار الکساندر پوشکین با موتیف طلسم فاقد اشیائی مانند حلقه، انگشتر، دستبند، گردنبند هستند و محتوای اشعار برگرفته از دین و فرهنگ مشرق-زمین است و با توجه به شرایط زندگی و تهدیدهایی که از طرف حکومت تزاری متوجه شاعر بوده، طلسم‌های او پناه‌گاهی برای وی محسوب می‌شدند.

**کلیدواژه‌ها:** قرآن، الکساندر پوشکین، طلسم، شرق، تأثیرپذیری.

### ۱. مقدمه

طلسم از موتیف‌های فرهنگ و ادبیات جهانی است که برخی ریشه آن را عربی و برخی دیگر یونانی دانسته‌اند. لازم است قبل از وارد شدن به بحث اصلی به پیدایش واژه

\* استاد زبان و ادبیات روسی دانشگاه تهران، ایران myahya@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۵/۲۰

طلسم و بار معنایی آن در فرهنگ ایرانی و روسی و همین‌طور به ریشه آن در لغت‌نامه‌های فارسی و روسی اشاره کوتاهی داشته باشیم.

ولادیمیر ایوانوویچ دال (Владимир Иванович Даль) دانشمند و لغت‌نامه‌نویس مشهور روسی (۱۸۷۲-۱۸۰۱) ریشه لغت طلسم را عربی می‌داند: «شیء ای عربی که حاوی نیروی سحرآمیز نجات‌دهنده است: گردن‌بند، بازوبند و غیره» (دال: ۱۸۶۶-۱۸۶۳). فرهنگ چهارجلدی زبان روسی آکادمی علوم اتحاد شوروی نیز ریشه طلسم را عربی دانسته است: «شیء ای که بر اساس تصورات خرافی، با ویژگی پیام‌آوری خوشبختی و موفقیت است و همچنین حامل آن برای رهایی از خطرات و بدبختی آن را می‌پوشد» (فرهنگ زبان روسی: ۱۹۸۴). در فرهنگ دایره‌المعارف اتحاد شوروی ریشه واژه یونانی است: «شیء ای که بر اساس تصورات خرافی خوشبختی و موفقیت می‌آورد. همچنین حافظ نیز است.» (فرهنگ دایره‌المعارف اتحاد شوروی: ۱۹۸۷) از نظر دهخدا نیز ریشه لغت یونانی است: «(از یونانی طلسم) ۱- در آمیختن قوای فعاله آسمانی با قوای منفعله زمینی در امور خارق‌العاده و شگفت‌آور؛ ۲- نوشته‌ای شامل اشکال و ادعیه که به وسیله آن عملی خارق‌العاده عادت انجام دهند؛ ۳- شکل و صورتی عجیب که بر دفاین و خزاین تعبیه کنند؛ ۴- سحر. جادو» (دهخدا: ۱۳۸۵). محمد معین در فرهنگ خود تقریباً سه معانی نخست دهخدا را آورده است، ولی ریشه لغت را عربی ذکر کرده است. (معین، ج ۲: ۱۳۷۷)

درباره عنصر طلسم و گشایش آن در فرهنگ ایرانی - اسلامی بیشتر به سبب چشم‌زخم و دفع آن بحث‌هایی مطرح است. «در ایران باستان در برابر بلا، مصائب و زیان‌هایی که به انسان، حیوانات یا محصولات کشاورزی، توسط اهریمنان و احزاب شیطان وارد می‌شد، از طلسم استفاده شده است.» (عزیزی‌فر، ۱۳۹۲: ۸۸)

در روایات اسلامی نیز برای در امان ماندن از چشم‌زخم پناه‌بردن به پروردگار و آیات قرآنی که دارای نیروی ماوراءالطبیعه و فوق‌توان بشرنده، توصیه شده است: «در روایات اسلامی نیز تعبیرات گوناگونی دیده می‌شود که وجود چنین امری را تأیید می‌کند. در حدیثی می‌خوانیم که اسماء بنت عمیس خدمت پیامبر (ص) عرض کرد که گاه فرزندان جعفر را (شوهرش) چشم می‌زنند؛ آیا رقیه‌ای برای آن‌ها بگیرم (منظور از رقیه دعایی است که می‌نویسند و افراد برای جلوگیری از چشم‌زخم با خود نگه می‌دارند. آن را تعویذ نیز می‌گویند). پیامبر (ص) فرمود: «آری، مانعی ندارد، اگر چیزی می‌توانست بر قضا و قدر پیشی گیرد، چشم زدن بود!» در حدیث دیگری از امیرالمؤمنین (ع) آمده است

که پیامبر برای امام حسن و امام حسین رقیه گرفت و این دعا را خواند: «أَعِيدُكُمْ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ وَأَسْمَائِهِ الْحُسْنَى كُلِّهَا عَامَةً مِنْ شَرِّ السَّامَةِ وَالْهَامَةِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ عَيْنٍ لَامَةٌ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ»؛ یعنی: «شما را می‌سپارم به تمام کلمات و اسمای حسناى خداوند از شر مرگ و حیوانات موزی، و هر چشم بد و حسود آن‌گاه که حسد ورزد.» سپس پیامبر<sup>(ص)</sup> نگاهی به ما کرد و فرمود: «حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup> این چنین برای اسماعیل و اسحاق تعویذ کرد.» از امام علی<sup>(ع)</sup> نیز روایت شده است: «چشم زخم حق است و توسل به دعا برای دفع آن نیز حق است.» ذکر این نکته لازم است که هیچ مانعی ندارد که این دعاها و توسل‌ها به فرمان خداوند، جلو تأثیر نیروی مرموز مغناطیسی چشم‌ها را بگیرد.» (فولادوند، ۱۳۸۹: ۵۶۶) آیاتی درباره تأثیر چشم‌زخم نازل شده است و زمانی که کفار کلام فصیح و بلیغ (آیات قرآنی) پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> را می‌شنیدند و می‌دیدند هر روز محبوبیت وی در میان مردم بیشتر می‌شود و چون توان دیدن چنین موقعیتی را برای وی نداشتند، از خشم و حسادت به او تهمت «دیوانه بودن» زدند و آیه «وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ» (سوره قلم، آیه ۵۱) را خداوند در این خصوص نازل فرمود. در ادبیات فارسی نیز به این موضوع پرداخته شده است، مولانا در مثنوی معنوی می‌فرماید که افراد حسود حتی از به اوج گرفتن کرکس نیز حسادت می‌ورزند:

یا رسول‌الله در آن نادى كسان ..... می‌زنند از چشم بد بر كركسان.....  
 كز حسد وز چشم‌بد بی‌هیچ شك ..... سیروگردش را بگرداند فلک...  
 (مولوی، ۱۳۸۴: ۸۳)

مشاهده می‌شود که در برخی کتب برای در امان ماندن از چشم‌بد خواندن سوره مبارکه صافات، سوره‌های قل یا ایها الکافرون، قل هو الله احد، قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس، آیه الکرسی و دعای هفتم صحیفه سجادیه توصیه می‌شود. بنابراین مسئله طلسم و شکستن آن در جامعه ایرانی قبل و بعد از اسلام رایج بوده و وارد ادبیات نیز شده است.

موضوع طلسم در میان مردم روسیه نیز چه قبل از پذیرش مسیحیت (اواخر سده دهم، اوایل سده یازدهم) و چه بعد از آن همیشه مطرح بوده و برگ‌هایی از ادبیات غنی آن سرزمین را به خود اختصاص داده است. سنگ‌های طبیعی گران‌بها به‌عنوان طلسم یا در فرهنگ و ادبیات مقابل چشم‌زخم می‌باشند و یا پیام‌آور سعادت و موفقیت هستند. «برای شخصیت‌های «ادبیات روسی سده طلایی» حلقه‌ها، انگشتری‌ها، دستبندها، با

سنگ‌های طبیعی گران‌قیمت نه تنها به منزله تزئین، بلکه طلسم نیز محسوب می‌شدند.»  
(<http://lslold.ksu.ru>).

در بررسی‌های انجام شده به نظر می‌رسد که در زبان روسی واژه талисман (تالیسمان) معادل تعویذ و طلسم باشد که متفاوت از واژه амулет (آمولت) معادل تمیمه و نظر قربانی است. ([www.litoart.ru](http://www.litoart.ru))

در ادبیات فارسی نیز از انگشتر و مهر حضرت سلیمان<sup>(ع)</sup> که منقوش به اسم پروردگار و دارای قدرت خارق‌العاده بود به کرات یاد شده است و شاید کامل‌ترین آن «حکایت سلیمان و نگین انگشتری او» از منطق‌الطیر شیخ عطار است:

هیچ گوهر را نبود آن سروری کان سلیمان داشت در انگشتری  
زان نگینش بود چندان نام و بانگ و آن نگین خود بود سنگی نیم دانگ  
چون سلیمان کرد آن گوهر نگین زیر حکمش شد همه روی زمین  
..... (عطار، ۱۳۹۴: ۱۵۲)

پوشکین از میان شاعران روسی کسی است که به شدت به قدرت خارق‌العاده انگشتری‌ها-طلسم‌های خود اعتقاد دارد و موضوع طلسم از موضوعات جالب توجه در اشعار او به حساب می‌آید. در مقاله تلاش می‌شود تا به سؤالات زیر پاسخ داده شود:

محتوای طلسم الکساندر پوشکین (Александр Пушкин) چیست؟  
تاریخچه و دلیل سرایش اشعاری درباره طلسم با مضمون شرقی چیست؟

## ۲. بحث و بررسی

درباره موضوع طلسم نویسندگان و شاعران روسی مانند آفاناسی فت (Афанасий Фет)، فیودور تیوتچف (Ф.Тютчев)، الکساندر پوشکین، میخائیل لرمانتف (Михаил Лермонтов)، الکسی تولستوی (Алексей Толстой)، الکساندر کوپرین (Александр Куприн)، آنا آخماتوا (Анна Ахматова)، مارینا تسویتایوا (Марина Цветаева) و... در آثار خود به آن پرداخته‌اند که گاهی شامل حلقه، انگشتری، دستبند، گردنبند و... است و گاهی بدون ذکر نام شیءایی به کار رفته است.

طلسم مارینا تسویتایوا در شعر «به تو حلقه فلزی اهدا می‌کنم» در متن اثر «حلقه فلزی» است و شاعر از قهرمان خود می‌خواهد در مقابل ناملایمات زمان که همچون بوراند، به کمک طلسمی که به او اهدا می‌شود مانند درخت بلوط در برابر بوران مقاوم بایستد:

به تو حلقه فلزی اهدا می کنم

...

این طلسم از لبان گلگون به تو هدیه می گردد

این اولین حلقه در زره توست

تا که به هنگام بوران زمان به سان درخت بلوطی

و مانند پروردگار یگانه در زنجیره فلزی خویش، یکتا بایستی. (۱۹۱۹)

اما طلسم در آثار نویسندگان و شاعرانی که زندگیشان به نوعی با مشرق زمین مرتبط است دارای ریشه شرقی است، مانند: الکساندر پوشکین و میخائیل لرماتف (هر دو از طرف حکومت تزاری به قفقاز تبعید شدند و آثار زیادی با مضمون شرقی نوشته اند)، الکساندر کوپرین (از طرف مادر ریشه تاتاری دارد)، آنا آخمتوا (که خود را «دختر شرقی» می نامد از طرف مادربزرگ مادری ریشه تاتاری دارد و منسوب به احمدخان از شاهزادگان و نوادگان چنگیزخان است).

طلسم آنا آخمتوا انگشتر سیاهی است که مادربزرگ تاتاری مسلمانش به وی هدیه کرده و در شعر «قصه انگشتری سیاه» به آن و نیز به ریشه تاتاری خود اشاره می کند. «قسمت اول شعر در سال ۱۹۱۷ نوشته شد. سپس در سال ۱۹۳۶ آن را تکمیل کرد. انگشتری سیاه را آخمتوا در سال ۱۹۱۶ به باریس آنرپ (Борис Анреп) هدیه داده بود و آنرپ انگشتری را بعد از مهاجرت به انگلیس در سال ۱۹۴۰ در بمباران لندن گم کرد» (یحیی پور، ۱۳۹۳: ۱۷۶). بخش پایانی شعر نشان می دهد که شاعر چندان رضایت از توانایی طلسم خود ندارد. البته این مسئله به زندگی بسیار طاقت فرسای وی در دوره استالین برمی گردد. اعدام همسرش نیکالای گومیلیوف (Николай Гумилёв) و سالها در حبس بودن یگانه فرزندش لف گومیلیوف (Лев Гумилёв) که بارها محکوم به اعدام شد و شاعر توانست با سختی فراوان و با سرودن اجباری شعری در مدح استالین، وی را از مرگ نجات دهد، شاید از دلایل نارضایتی شاعر از عمل کرد طلسمش باشد:

**«قصه انگشتری سیاه»**

از مادربزرگ تاتاریم

به ندرت هدایایی دریافت می کردم؛

و او حزن انگیز غضبناک بود

که چرا غسل تعمید داده شدم.

اما قبل از مرگ اندکی خوش‌خو شد  
و برای بار نخست دل سوزاند،  
و با آه گفت: «آخ، زمان چه زود گذشت!  
اینهم نوه‌ام، دخترک، حالا جوانی است».  
و با بخشیدن خوی مزخرفم  
انگشتر سیاه را وصیت کرد.  
چنین گفت: «انگشتر از آن او  
با آن شادمان خواهد بود».

[و از پانزده سالگی

آزادیم شروع شد.

انگشتر سیاه این‌سان خدمت کرد

اگر کسی با من مهربان باشد،

سنگ انگشتر را خواهم بوسید

و پیروزی شکوه‌مند را.

بدین سان گذشت،

دوازده‌سال شیرین و سخت.

و عوض شد

رنگِ کبودِ چشمان شادم.

و چهره‌ام هر روز رنگ‌پریده‌تر،

اندام – نحیف‌تر از تار مو.

آن‌طور که می‌خواستم

حلقه انگشتری به من خدمت نکرد.]»

شب ۲۰ ژوئن ۱۹۱۷ سلینوا؛ ۱۹۳۶

برای الکساندر کوپرین سنگ‌های طبیعی گران‌قیمت به‌عنوان نظر قربانی و یا طلسم است که نویسنده در داستان‌های بلند خود مانند «دست‌بند عقیق سرخ» ( «Гранатовый браслет»)، «شولمی» ( «Суламифь» ) و «آلسیا» ( «Олеся» ) به آن‌ها اشاره کرده است و دارای مضمون شرقی‌اند. برای نمونه، منابع داستان کوپرین با نام «شولمی» (سولامیف/سولامیتا)، غزل‌های کتاب مقدس، قرآن، افسانه‌های فولکلوری دربارهٔ

حضرت سلیمان<sup>(ع)</sup>، سنگ‌های قیمتی و همین‌طور اسطوره‌هایی مانند ایزد و دیگر خدایان دوره بت‌پرستی است. سلیمان قهرمان مرد داستان، پادشاه فارس است و داستان درباره عشق سلیمان و شولمی بر اساس حکایت غزل‌غزل‌های کتاب مقدس ساخته شده است. در بخش اول داستان حکمرانی سلیمان بر فارس و کارهای او برای خواننده توصیف می‌شود. نویسنده در این داستان از سنگ‌هایی با رنگ‌های گوناگون، از جمله قرمز که نشانه عشق است، سخن می‌گوید که سلیمان برای معشوقه خود از ارزش و سحرآمیز بودن آن‌ها صحبت می‌کند. سلیمان نادرترین سنگ عقیق را به محبوبه خود هدیه می‌کند. برای ساختن این اثر کوپرین حتی به قدرت انگشتر حضرت سلیمان<sup>(ع)</sup> بر اساس اعتقاد مسلمانان بی‌توجه نبوده است.

کوپرین داستان‌های دیگری با موضوع طلسم نیز دارد. در داستان «دست‌بند عقیق - سرخ» نویسنده از ویژگی سحرآمیز بودن سنگ‌های قیمتی می‌گوید. این اثر درباره عشق ناگسستگی است که بنا به اظهار یکی از قهرمان‌ها «فقط هر هزار سال یک‌بار تکرار می‌شود». دست‌بند عقیق سرخ هدیه شده به قهرمان زن، سمبل این عشق ناگسستگی است و در داستان «آلسیا» به آلسیا قهرمان زن، گردن‌بند سنگ‌مرجانی قرمز رنگی اهدا شده که در فرهنگ عامیانه به نشانه طلسم محافظ از چشم‌زخم است.

با بررسی داستان‌های کوپرین می‌بینیم که از نظر نویسنده دو نوع سنگ وجود دارد: سنگ طلسم (نظرقربانی) که از انسان در مقابل چشم‌زخم محافظت می‌کند و دیگری سنگ طلسمی است که برای انسان موفقیت و سعادت به ارمغان می‌آورد. (شیلیس، ۲۰۰۸: ۲۶۰-۲۵۳)

میخائیل لرمانتف در پرده دوم نمایشنامه «دو برادر» به طلسمی اشاره می‌کند که همراه تاتار مسلمان است و آن طلسم مزار پیامبر<sup>(ص)</sup> است: «یوری: نمی‌دانم - از آن دختر فقط نامی برایمان مانده است که عادت کرده‌ام به هنگام دل‌تنگی مانند دعایی بر زبان آورم. آن اسم دارایی من است. من آنرا مانند تمثال دعای خیر مادرمقدس حفظ می‌کنم، همان‌طور که یک تاتار طلسم مزار پیامبر را حفظ می‌کند» (لرمانتف، ۱۹۹۰: ۲۴۷). نویسنده هیچ اشاره‌ای به نوع و شکل طلسم نکرده است.

اما محتوای طلسم پوشکین چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟ پوشکین شاعر سخنور اخلاق‌گرای فصیح‌الکلام جمال‌پرست نه تنها نامدار در روسیه، بلکه جهان است. شهرت و درخشندگی سیمای ادبی او از زمان حیاتش، سده نوزده، تا به امروز به پاس

اخلاق‌گرایی و بشر دوستی در ادبیات جهان سایه افکنده و خوانندگان غربی و شرقی با اندیشه‌های بشردوستانه و آزادی‌خواهانه او در اقصا نقاط جهان آشنایند. پوشکین در نظم و نثر و هم‌نمایشنامه‌نویسی تبحر داشت، ولی او را بیشتر به‌عنوان شاعر می‌شناسند. او شاعری با «ایده‌های جهانی» است که «قابلیت پذیرش کل جهان» را دارد. فیودور داستایفسکی در سالگرد پوشکین به سال ۱۸۸۰ نطقی آتشین و پر احساس ایراد کرد و در ارتباط با پوشکین و آثارش از جمله مجموعه اشعار «تأسی از قرآن» گفت: «در آثار پوشکین ایده‌های جهانی می‌درخشند و شخصیت‌های شاعرانه دیگر ملل و نوابع در آنها انعکاس پیدا کرده‌اند. البته در ادبیات اروپا نوابع هنری بزرگی مانند شکسپیرها، سروانتس‌ها و شیلرها بودند، ولی یک نفر از آنها را نشان بدهید که مانند پوشکین این-چنین قابلیت پذیرش جهان را داشته باشد... بزرگ‌ترین شاعران اروپایی هیچ‌وقت نتوانسته‌اند مانند پوشکین در آثار خود با چنین توانی نوابع دیگر ملل و حال‌وهوای آن‌ها، عمق پنهان روحیاتشان، غم و تمایلات آن‌ها را نشان بدهند. برعکس، شعرای اروپایی، اغلب زمانی که به ملل دیگر روی می‌آوردند، آن‌ها را با فرهنگ خود مجسم و به روش خود درک می‌کردند، فقط پوشکین، یکی از شاعران جهان است که این قابلیت را دارد که در دیگر ملل خود را مجسم می‌کند... در ادامه داستایفسکی در ارتباط با شعر «تأسی از قرآن» پوشکین گفت: مگر او (پوشکین) در این شعر مسلمان نیست؟ مگر این روح قرآن و شمشیر اسلام نیست؟ مگر نیروی با عظمت ایمان نیست؟ در واقع هیچ‌کس مانند پوشکین توانایی و قابلیت مبدل شدن به انسان دیگر ملل و اینقدر موثق از زبان آن‌ها حرف زدن را ندارد.» (کریمی مطهر، ۱۳۹۰: ۱۳۳-۱۳۲)

این شاعر نامدار اشعاری سروده که در آن‌ها به موضوع طلسم پرداخته است. الکساندر پوشکین سه شعر با نام‌های «در غار مخفی، در روز تعقیب و آزار» (۱۸۲۵)، «حافظم باش، طلسم من» (۱۸۲۵) و «طلسم» (۱۸۲۷) سروده که واژه طلسم و مفهوم آن نقش کلیدی در آن‌ها دارد و عنوان یکی از اشعار نیز طلسم است. با توجه به تاریخ نوشتار این اشعار می‌بینیم که آن‌ها بعد از تبعیدها سروده شدند. البته لازم است در نظر داشت که پوشکین از کودکی به مشرق‌زمین علاقه داشت. مورخ بزرگ معاصر روسیه د.ای. بلکین (Д.И. Белкин) درباره پوشکین می‌نویسد: «علاقه به شرق، در همه دوران زندگی پوشکین مشاهده می‌شود... از همان دوران کودکی، زمانی که از مادر بزرگ و دایه خود درباره سرگذشت تقریباً اعجاب‌انگیز پدرجد افریقایی خود ابراهیم هانیبال شنیده بود.» (چلیشف، ۱۹۹۹: ۹۵)



از دو تبعید شاعر، تبعید نخستش به قفقاز بود که به تبعید جنوب معروف است و از ششم ماه مه ۱۸۲۰ تا ۱۸۲۴ به طول انجامید. ظاهراً پوشکین برای خدمت به قفقاز اعزام شد، ولی تزار در حقیقت می‌خواست او را به دلیل اشعار ضد تزاری از پایتخت دور کند.

تبعید دوم که به تبعید شمال مشهور است به روستای میخائیلوفسکویه بود و از سال ۱۸۲۴ تا ۱۸۲۶ به طول انجامید. در این زمان پوشکین از خدمت اخراج شده بود. هامسون (Гамсон) نویسندهٔ نروژی در اثر خود با نام «گشت‌وگذار در سرزمین عجایب» دربارهٔ تأثیر تبعید بر شاعران روس چنین می‌نویسد: «امپراطوران روسی رسم داشتند که شاعران را به قفقاز تبعید کنند، اما قفقاز از محل تبعید به منبع الهام آثار آنها تبدیل می‌شد.» (یحیی پور، ۱۹۹۳: ۱۷۱)

پوشکین از زمان تبعید نخست با آثار دینی و ادبی مشرق‌زمین مانند قرآن، بوستان و گلستان سعدی و غزلیات حافظ آشنا شده و به‌دقت آنها را مطالعه کرده است. پوشکین علاقهٔ زیادی به توصیف و انعکاس فرهنگ و سلیقهٔ شرقی داشت. «ایدهٔ شرق به‌عنوان بخشی از جهان‌بینی در کل دوران فعالیت ادبی شاعر رشد و توسعه پیدا کرد. موضوعات و سیماهای مختلف از خاور دور و نزدیک - از آسیای میانه و قفقاز، افریقا، دنیای عرب، چین، ترکیه، هند و ایران - در آثارش توصیف شده‌اند» (کریمی مطهر، ۱۳۹۰: ۹۲). ک.س. کاشتالوا (К.С.Кашталова) معتقد است که هنگام سرودن مجموعه اشعار «تأسی از قرآن»، ترجمه قرآن م.ای. ویروفیکین (Веровкин М.И.) (۱۷۹۰) کنار دست پوشکین بود و شاعر «یک‌پنجم» آن را در مجموعه «تأسی...» آورده است (لوپیکووا، ۱۹۷۴: ۶۴). از آثار برجستهٔ پوشکین در زمینه دین، فرهنگ و طبیعت شرق می‌توان به رمان‌ها، منظومه‌ها و اشعار «روسلان و لودمیلا» (۱۸۲۰-۱۸۱۸)، «اسیر قفقاز» (۱۸۲۱-۱۸۲۰)، «چه کسی آن خطه‌ای را دیده، که با شکوه طبیعت...؟» (۱۸۲۱)، «فوارهٔ باغچه‌سرای» (سرودن ۱۸۲۳-۱۸۲۱، چاپ ۱۸۲۴)، «اهدا به فوارهٔ کاخ باغچه‌سرا» (۱۸۲۴)، «در غار مخفی، در روز تعقیب و آزار»، «حافظم باش، طلسم من»، مجموعه - اشعار «تأسی از قرآن» (سرودن ۱۸۲۴ و چاپ ۱۸۲۶)، «پیامبر» (۱۸۲۶)، «بلبل و گل‌سرخ» (۱۸۲۷-۱۸۲۶)، «طلسم»، «در نسیم دلنواز فواره‌ها» (۱۸۲۸)، «اهدا به فاضل - خان» (۱۸۲۹)، «از حافظ» (۱۸۲۹)، «صومعه‌ای بر فراز کازبک» (۱۸۲۹)، «مه‌شبانگهی بر فراز تپه‌های گرجستان...» (۱۸۲۹)، «قفقاز» (۱۸۲۹)، «دلیباش» (۱۸۲۹)، «سفر به ارزروم...» (۱۸۲۹)، منظومهٔ ناتمام «تازیت» که داستانی فلسفی دربارهٔ آداب کوه‌نشینان

است (۱۸۳۰-۱۸۲۹)، رمان منظوم «یوگننی آنگین» (۱۸۳۱-۱۸۲۳)، «تأسی از عرب» (۱۸۳۵)، «دیروز لیلا...» (۱۸۳۶)، «یادبود» (۱۸۳۶) و... اشاره کرد.

همان‌طور که اشاره شد پوشکین در زمان نخستین تبعید خود در قفقاز با کتاب مقدس مسلمانان (ترجمه ویروفیکین) آشنا شد و نتیجه مطالعه او آغاز سرایش مجموعه «تأسی...» از سال ۱۸۲۴ است و بعد در زمان تبعید شمال در روستای میخائیلوفسکویه درباره طلسم اشعار «در غار مخفی، در روز تعقیب و آزار»، «حافظم باش، طلسم من» و بعد از تبعیدها «طلسم» را سرود. قرآن در این دوره از زندگی شاعر پناهگاهی برای او به حساب می‌آید. پوشکین علاوه بر این، در نامه‌های خود نیز به قرآن و زندگی پیامبر اسلام (ص) اشاره کرده است. او در اوایل نوامبر ۱۸۲۴، قبل از سرودن مجموعه اشعار «تأسی از قرآن»، به برادرش لف سرگئی یویچ (Лев Сергеевич) نوشت: «من برای شهرت قرآن زحمت می‌کشم» (کریمی مطهر، ۱۳۹۰: ۱۳۲)

آنچه که مسلم است او در تبعید برای سرودن شعر «در غار مخفی...» علاوه بر آشنا شدن با زندگی پیامبر (ص)، سوره‌های «کهف» و «العلق» را خوانده و درباره آیات و شأن نزول آن‌ها اندیشیده است. موتیف‌ها و همچنین کلمات و عبارات به کار گرفته شده در شعر مانند «در روز تعقیب و آزار»، «قرآن شیرین»، «کلمات مقدس»، «نوشته شده به - دست نامرئی»، «توسط فرشته‌ای در غار» که «به سان طلسمی» نازل شد، نشان از آگاهی شاعر از مبعث رسول اکرم (ص)، خلوت‌نشینی وی در غار حرا و نزول قرآن بر وی توسط حضرت جبرئیل از جانب پروردگار است. البته این سرگذشت بی‌شباهت به زندگی خود شاعر نیست. در واقع تبعیدها و آشنایی وی با قرآن و زندگی پیامبر (ص) منابع الهام و سبب پیدایش اشعار بی‌نظیر و تکرارنشده شد:

«در غار مخفی، در روز تعقیب و آزار

قرآن شیرین را خواندم

ناگاه فرشته تسلی و آرامش

نازل شد، برایم طلسم را آورد.

قدرت خارق‌العاده‌اش

.....

کلمات مقدس بر روی آن را

دستی نامرئی نوشته بود.»

دو شعر «حافظم باش، طلسم من» و «طلسم» را پژوهشگران مرتبط با انگشتی می-  
دانند که به پوشکین اهدا شد.

شعر «حافظم باش، طلسم من» (۱۸۲۵) در زمان حیات پوشکین چاپ نشد. برخی  
از پوشکین‌شناس‌ها و منتقدان آثار وی، بر این باورند که این شعر با انگشتر عقیقی  
مرتبط است که ی.ک. وارونتسووا (Елизавета Воронцова) در اودسا (Одеса)، قبل  
از تبعید شاعر به میخائیلوفسکویه، به او اهدا کرد. شاعر از طلسمی که «به روز اندوه» به  
وی ارزانی شده است انتظار دارد که «حافظ او در ایام تعقیب و آزار»، و حافظش هنگام  
«تشویش نبرد آتشین» باشد. در اینجا شاعر با توصیف طبیعت ناآرام، حالات روحی  
خود را قبل از تبعید توصیف می‌کند. امیدها رخت بر بستند و آرزوها خفته‌اند:

«حافظم باش، طلسم من  
حافظم باش در ایام تعقیب و آزار  
در ایام ندامت، پریشانی:  
تو به روز اندوه به من ارزانی شدی.

آن زمان که اقیانوس بالا می‌آید  
در اطراف امواج بلند خروشان،  
آن زمان که ابرها با رعدوبرق می‌غرند  
حافظم باش، طلسم من

در تنهایی کشورهای بیگانه  
در آغوش سکوت غمناک  
در تشویش نبرد آتشین  
حافظم باش، طلسم من

فریب شیرین مقدس  
پرتو سحرآمیز درخشان روح  
پنهان شد و خیانت کرد  
حافظم باش، طلسم من

بگذار خاطرۀ زخم‌های قلبم

هرگز تازه نگردد.

خدانگهدار، امید؛ بخشب، آرزو

حافظم باش، طلسم من.»

پوشکین دو انگشتر طلا داشت که یکی را به انگشت بزرگ و دیگری را به انگشت سبابه دست راست خود می‌کرد که یکی از آن دو را شاهزاده الیزاوتا وارونتسووا همسر استاندار کریمه و نوواراسیا (روسیه نو) به وی هدیه کرده بود. شاهزاده دو انگشتر طلا با نگین عقیق یک‌شکل که روی عقیق هر دو عبارت «سیمخا بن یوسف خاخام محترم، یادش گرمی باد» نقش بسته بود، از طرف پدر به ارث برده برد که یکی از آن‌ها را همان‌طور که اشاره شد هنگام خداحافظی شاعر به وی اهدا کرد. شاهزاده وارونتسووا و پوشکین از آن به‌عنوان مَهر نیز استفاده می‌کردند. شاعر همیشه آن‌ها به‌دست داشت و از آن به‌نام انگشتر طلسم یاد می‌کرد و شدیداً به قدرت خارق‌العاده‌اش اعتقاد داشت. برخی می‌گویند که پوشکین در زمان دوئل با دانتهس (Дантес) این انگشتر را به‌همراه نداشت و پس از مجروح شدن درخواست کرد که انگشتر را برایش بیاورند. ناتالیا نیکالایونا (Наталья Николаевна) همسر پوشکین می‌گوید که واسیلی ژوکوفسکی (Василий Жуковский) آن‌ها را از دست بی‌جان شاعر درآورد. ژوکوفسکی در یکی از نامه‌های خود به سال ۱۸۳۷ چنین نوشت: «این انگشتر من طلسم نامیده می‌شود. امضای آن عربی است، ولی نمی‌دانم به چه معناست. این انگشتر پوشکین است که به‌وسیله او ستایش شده و توسط من از دست بی‌جانش بیرون آورده شد.» (<http://pro-kamni.ru>) البته کلمات روی آن‌ها که به زبان عبری قدیم بود رمزگشایی کردند که در بالا آمده است. بعد از حدود چهل سال پسر ژوکوفسکی آن را به ایوان تورگنوف (Иван Тургенев) بخشید. در سال ۱۸۸۷ انگشتر به موزه پوشکین اهدا و تا ۲۳ مارس ۱۹۱۷ در آن‌جا نگهداری می‌شد، ولی در زمان هرج و مرج قبل از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ انگشتر و دیگر اشیاء قیمتی از موزه سرقت رفت. بعداً توانستند سارق را پیدا کنند و اشیاء سرقت‌شده را به موزه برگردانند، ولی انگشتر پوشکین متأسفانه پیدا نشد. اما انگشتر دوم پوشکین اکنون در موزه-آپارتمان شاعر در سن‌پترزبورگ روسیه نگهداری می‌شود. شعر «طلسم» (۱۸۲۷) که در سال‌های تکامل معنوی پوشکین نوشته شده از دو قسمت تشکیل شده است. در قسمت اول شاعر از نظر فیزیکی به موقعیت جغرافیایی و مکانی که در آن واقع شده اشاره می‌کند و طبیعت و فرهنگ شرق (حرمسرای خان

گیری در «باغچه سرا» را توصیف می کند. از شرشر پیوسته دریا به روی صخره های صحرائی و درخشش روشن تر ماه می گوید. «بر روی صخره های صحرائی / جایی که ماه گرم تر می درخشد / در ساعت شیرین ظلمت شباهنگام».

شاعر سپس به مسائل روحی-روانی ایی که خود به دلیل تهدیدهای حکومت تزاری با آنها درگیر است و همین طور به سخنان «صنم دلربا» که «با نوازش» طلسم را به او اهدا کرده، اشاره می کند:

### «طلسم»

آنجا که دریا مدام شرشر می کند

بر روی صخره های صحرائی

جایی که ماه گرم تر می درخشد

در ساعت شیرین ظلمت شباهنگام

جایی که در حرمسراها

روزها را مسلمان با لذت سپری می کند

آنجا که آن صنم دلربا با نوازش

طلسم را به من اهدا می کند.

و با نوازش می گوید:

"حافظ طلسمم باش

در آن قدرت معجزه آسایی نهفته است!

آن با عشق به تو اهدا شد.

از بیماری، از مرگ

در بوران، در طوفان مهیب

عزیزم، طلسمم

نجاتت نخواهد داد

او ثروت شرق را به تو

نخواهد بخشید

و پیروان پیامبر را

مجدوبت نمی کند؛

و ترا به آغوش دوست  
از اندوه کشورهای بیگانه  
به سرزمین مادری از جنوب به شمال  
طلسمم به تاخت نخواهد برد...  
اما آن هنگام که چشمان جادویی  
ترا ناگاه شیفته خود ساخت  
یا لبان در ظلمت شب  
بدون عشق می‌بوسند -

عزیزم! از جنایت  
از زخم‌های تازه قلبی  
در برابر خیانت و نسیان  
طلسمم حافظ توست!"

طلسم «صنم دلربا» با «قدرت معجزه‌آسا» قادر نیست «ثروت شرق» را به حامل خود ببخشد و او را از بلایای طبیعی مانند «مرگ، بوران، طوفان مهیب» نجات دهد و از تبعید رهایی ببخشد و به «سرزمین مادری» به آغوش دوستانش به «شمال» برگرداند، ولی از او در برابر «جنایت»، «زخم‌های تازه قلبی»، «خیانت و نسیان» حکومت تزاری محافظت خواهد کرد.

### ۳. نتیجه‌گیری

همان‌طور که دیدیم طلسم برای قهرمان آثار ادبی گاهی سرنوشت‌ساز، گاهی محافظ در برابر شوم‌بختی و چشم‌زخم و یا پیام‌آور خوشبختی و سعادت است. طلسم در اشعار پوشکین بار معنایی والا و «قدرت معجزه‌آسا و فوق‌العاده‌ای» دارد و شاعر آن را به شکل استعاره به کار برده است. در واقع تبعیدها و آشنایی وی با قرآن مجید و زندگی پیامبر اکرم (ص) منابع الهام و سبب پیدایش اشعار «در غار مخفی، در روز تعقیب و آزار»، «طلسم» و «حافظم باش، طلسم من» شده است. محتوای طلسم‌های پوشکین آیات قرآن و یا مرتبط با دین و فرهنگ شرقی است و شاعر آن‌ها را پناهگاهی برای خود می‌داند. طلسم تسلی‌بخش آلام روحی شاعر محسوب می‌شود و شاعر به قدرت فوق‌العاده طلسم خود شدیداً معتقد است. از بررسی اشعار پیداست با توجه به این که شاعر تحت

تعقیب رژیم نظامی تزار بود و همیشه تهدیدی بر علیه خود احساس می کرد و دوبار نیز تبعید شد، طلسم با آیات قرآن و کلمات مقدس پناهگاه و حافظ وی محسوب می شد.

### پی نوشت

مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان «طلسم در آثار نویسندگان فارسی و روسی» با شماره ۱۸/۱/۶۰۵۰۰۶ است که با اعتبارات معاونت محترم پژوهشی دانشگاه تهران انجام گرفته است.

### منابع

- قرآن حکیم و شرح آیات منتخب (۱۳۸۹)، ترجمه محمدمهدی فولادوند، تهران، انتشارات مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران.
- دهخدا علی اکبر (۱۳۸۵)، لغت نامه، فرهنگ متوسط دهخدا زیر نظر دکتر سید جعفر شهیدی، دو جلدی، انتشارات دانشگاه تهران.
- عزیزی فرامیرعباس (۱۳۹۲)، بررسی طلسم و طلسم گشایی در قصه های عامیانه فارسی، متن شناسی ادب فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه اصفهان، سال چهل و نهم، دوره جدید، سال پنجم، شماره ۱، (پیاپی ۱۷) بهار. ۱۰۰-۸۳.
- عطار فریدالدین (۱۳۹۴)، منطق الطیر، داستان کبک، شرح: امیر نیک سرشت، قم، انتشارات نوید ظهور.
- کریمی مطهر جان اله، یحیی پور مرضیه (۱۳۹۰)، الکساندر پوشکین و مشرق زمین، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- معین محمد (۱۳۷۷)، فرهنگ فارسی شش جلدی، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- مولوی جلال الدین محمد بلخی (۱۳۸۴)، نثر و شرح مثنوی شریف، دفتر پنجم نویسنده عبدالباقی گولپینارلی، ترجمه و توضیح توفیق ه. سبحانی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- یحیی پور مرضیه (۱۳۹۲)، آنا آخمتیوا و مشرق زمین، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و انجمن ایرانی زبان و ادبیات روسی.

Даль В.И. (1863-1866). Толковый словарь живого великорусского языка: В 4 т. - СПб.

Лермонтов М. (1990). Сочинения в 2 т., т. 2, М., "Правда".

Лобикова Н.М. Пушкин и Восток (1974). М., "Наука".

Советский энциклопедический словарь (1987) М., "Советская энциклопедия".

*Словарь русского языка в 4 т.* (1984). Академия наук СССР, Институт русского языка, М., "Русский язык",.

Чельшев Е.П. (1999). *Пушкин и мир Востока./Пушкинские строки о Персии* Д.И. Белкин, М., "Наука".

Шилис Рамунас (2008). *Драгоценные камни в произведениях Александра Куприна*, Acta humanitarica universitatis Saulensis. 253–260.  
<http://vddb.library.lt> (дата обращения: 1.3.15)

[http://lslold.ksu.ru/virt\\_vyst/24/fr\\_tal.html](http://lslold.ksu.ru/virt_vyst/24/fr_tal.html)

<http://pro-kamni.ru/persten-talisman-a-s-pushkina>

<http://www.litoart.ru/litomagiya/item/43-talisman-i-amulet.html>

